

تأثیر دولت شکننده عراق بر امنیت زیست محیطی جمهوری اسلامی ایران

مهدی عباسزاده فتح‌آبادی^{۱*}

منصوره منصوری^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۸/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۳

چکیده

در طول یک دهه اخیر، مفهوم دولت‌های شکننده به یکی از مفاهیم مهم سیاست بین‌الملل تبدیل شده است. این پدیده از جمله ویژگی‌های برخی کشورهای خاورمیانه است. این دولت‌ها مؤلفه‌هایی از قبیل مداخله نظامی بیگانه، انتقال قدرت سخت و خشن، بحران مشروعیت، مشکلات زیست محیطی، ناکارآمدی نظام قضایی و اقتصادی و گسترش تروریسم دارند. دولت عراق پس از سال ۲۰۰۳، در گروه دولت‌های شکننده قرار گرفته و در طول این سال‌ها همواره در سطح نامطلوبی از ثبات ارزیابی شده است. این نوشتار با استفاده از شاخص‌های شکنندگی دولت در پی بررسی تأثیر دولت شکننده عراق در بروز تهدیدهای زیست محیطی نسبت به جمهوری اسلامی ایران است. بر این اساس پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به دنبال بررسی تأثیر دولت شکننده عراق بر امنیت زیست محیطی ایران است و در تلاش است تا به این پرسش پاسخ دهد که، تأثیر دولت شکننده عراق بر امنیت زیست محیطی ایران چه می‌باشد؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد با توجه به شاخص‌های دولت شکننده؛ وجود دولت شکننده عراق در همسایگی جمهوری اسلامی ایران سبب‌ساز بروز تهدیدهای زیست محیطی بویژه در غرب ایران از جمله بحران کم‌آبی، طوفان ریزگردها، آلودگی هوا، فرسایش خاک در پی بیابان‌زایی و تخریب مراتع و جنگل‌زدایی به عنوان آشکارترین بُعد امنیت در حوزه زیست محیطی و زیست شهروندان می‌گردد.

واژگان کلیدی: دولت شکننده، امنیت زیست محیطی، عراق، ایران.

۱. استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه شهید باهنر کرمان

* نویسنده مسئول: abbaszadeh@uk.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه شهید باهنر کرمان

امنیت زیست‌محیطی به‌عنوان یکی از ابعاد مهم امنیت انسانی به تهدیدها و مخاطرات ناشی از توسعه ناپایدار و تخریب محیط زیست اشاره دارد. با این‌که مرجعیت انسان برای امنیت در حال حاضر مقبول‌تر و مهم‌تر از مرجعیت سایر واحدها است، اما سیاست‌های توسعه‌ای امری هستند در ارتباط با دولت. بنابراین باتوجه به تحولات اساسی که در کارویژه‌ها و جایگاه دولت‌ها به‌وجود آمده است، انتظار می‌رود تا دولت‌ها سیاست‌های توسعه‌ای خود را با تأکید بر پایداری زیست‌محیطی و امنیت زیست‌محیطی تدوین و اجرا نمایند؛ اما نگاهی به وضعیت زیست‌محیطی جهان و پیامدهای انسانی و محیطی سیاست‌های دولت‌ها، همچون رشد جمعیت، گسترش شهرنشینی، تأکید بر سیاست‌های رشد محور، تشویق فرهنگ مصرف‌گرایی و گسترش فناوری‌های مخرب محیط زیست نشان می‌دهد که تمایل دولت‌ها به رشد و توسعه صرف، بیش‌تر از توسعه پایدار، است. پیامدهایی همچون افزایش مرگ و میر انسانی به دلیل آلودگی آب، خاک و هوا، فرسایش خاک، گسترش جنگل‌زدایی، کاهش زمین‌های کشاورزی، افزایش مصرف منابع، گسترش بیابان‌زایی، افزایش کشمکش بر سر منابع، تغییرات آب و هوایی، افزایش خطر طوفان‌های شنی، پدیده ریزگردها، تخریب مراتع، اختلال در چرخه‌های تولید غذا با از بین بردن گونه‌های گیاهی و جانوری، گرمایش کره زمین، بارش باران‌های اسیدی، تخریب لایه ازن، وارونگی دمایی و ده‌ها پیامد دیگر که مستقیم و غیرمستقیم امنیت انسان‌ها را از طریق تهدید امنیت زیست‌محیطی به مخاطره می‌اندازد، باعث شده است تا این مسأله به نگرانی مهمی برای محققان و پژوهشگران تبدیل گردد.

در دهه‌های اخیر تغییرات زیست‌محیطی مانند تغییرات آب و هوا، چالش‌های اساسی را برای امنیت انسانی در سراسر جهان ایجاد کرده است. امروزه امنیت و داشتن ثبات برای مردم در همه زمینه‌ها، امری لازم و ضروری است. دولت‌های برخاسته از رأی مردم همواره به دنبال ایجاد امنیت برای شهروندان در سطوح محلی، منطقه‌ای، ملی و جهانی می‌باشند و با برقراری پیوند و ارتباط با یکدیگر در این راستا گام بر می‌دارند. با این حال، توزیع بحران‌های زیست‌محیطی، تابعی از نگرش عمومی نسبت به محیط زیست، موقعیت جغرافیایی، سطح رفاه، جایگاه ارزیابی زیست‌محیطی در تدوین



برنامه‌های توسعه محور، برخورداری از قوانین همسو با زمان، جدیت اعمال قانون و مانند آن است.

مفهوم دولت شکننده برگرفته از رژیم‌های پس از فروپاشی بلوک شرق بود که برخی از کشورها نوعی بازگشت به وضعیت پسااستعماری داشتند؛ دوره‌ای که دولت‌ها از انجام وظایف حکومتی ناتوان بودند و مبارزه‌ای خشونت‌آمیز بین گروه‌های سیاسی و اجتماعی در مورد کنترل حکومت و مرزها وجود داشت که پس از جنگ سرد این وضعیت در برخی از مناطق جهان تکرار شد. ظهور دولت‌های ضعیف و شکننده در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا طی دهه‌های اخیر در کشورهایی همچون اتیوپی، عراق، افغانستان، لیبی، سوریه، مصر، لبنان، بحرین، میانمار، پاکستان و... به شکل‌گیری بحران‌های مسری برای همسایگان و مناطق مجاور منجر گردیده است.

با سقوط صدام حسین و تغییر حکومت در عراق، فرآیند چانه‌زنی برای شکل دادن به عراق جدید، مهم‌ترین موضوع پس از سال ۲۰۰۳ بوده است. این فرآیند با گذشت بیش از یک دهه درگیری‌های داخلی و خارجی، عراق را به سویی برده است که اینک در فهرست دولت‌های شکننده قرار دارد. بی‌ثباتی سیاسی، برآورده نشدن مطالبات جریان‌ها و جناح‌های گوناگون، ناتوانی حکومت جدید در شکل دادن به نهادهای مردم‌سالار، ناتوانی در ارائه خدمات عمومی و ناتوانی در محافظت از مردم در برابر تهدیدهای داخلی و خارجی، از جمله ویژگی‌های دولت شکننده عراق به‌شمار می‌آیند. شکنندگی دولت در عراق سبب دخالت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، شکل‌گیری جریان‌های تندرو مذهبی، تشدید منازعه‌های قومی - مذهبی، اقدام‌های تروریستی و بحران‌های زیست محیطی شده است که همگی به شکل‌های مختلف امنیت انسانی را در این کشور و همسایگان مجاور تهدید کرده است. در این چارچوب تأثیر دولت شکننده عراق بر امنیت زیست محیطی ایران با جلوه‌هایی همچون بحران کم‌آبی، طوفان ریزگردها، آلودگی هوا، فرسایش خاک در پی بیابان‌زایی و تخریب مراتع و جنگل‌زدایی به عنوان آشکارترین بُعد امنیت در حوزه زیست محیطی و زیست شهروندان به‌شمار می‌رود. بر این اساس پژوهش حاضر به دنبال بررسی تأثیر دولت شکننده عراق بر امنیت

زیست محیطی ایران است و در تلاش است تا به این پرسش پاسخ دهد که، تأثیر دولت شکننده عراق بر امنیت زیست محیطی ایران چه می‌باشد؟

۱. ادبیات پژوهش

در زمینه پژوهش‌های انجام شده پیشین در رابطه با تأثیر دولت شکننده عراق بر امنیت زیست محیطی جمهوری اسلامی ایران می‌توان این آثار را به دو دسته تقسیم کرد؛ نخست آثاری که به مباحث دولت شکننده، نهادهای دولت شکننده و دولت شکننده عراق پرداختند؛ مانند لوتار بروک و دیگران (۱۳۹۴)، که در کتاب **دولت‌های شکننده، جامعه‌شناسی جنگ و دولت مدرن**، ضمن روشن کردن معنا و مفهوم دولت‌های شکننده و بیان ویژگی‌های آن در جهان معاصر، تاریخ تحول و توسعه آن‌ها را از دوره‌های پیشاستعماری تا به امروز مورد واری قرار می‌دهد. نوام چامسکی (۱۳۸۸)، در کتاب **دولت‌های فرومانده: سوءاستفاده از قدرت و یورش به دموکراسی**، معتقد است دولت‌های شکست خورده شامل یک طیف می‌شود که در یک سر آن برخی دولت‌ها مانند افغانستان و سومالی در داخل مرزهای خود در تأمین امنیت، وضعیت سیاسی و اقتصادی و عدم خشونت ناکام هستند. در سر دیگر آن، دولت‌هایی هستند که در عرصه جهانی اهدافی را مطرح کرده که به آن‌ها دست پیدا نکرده‌اند. رابرت جکسون (۱۹۹۱)، در کتاب **شبه‌دولت‌ها: حاکمیت، روابط بین‌الملل و جهان سوم** معتقد است چیزی که در جوامع جهان سوم وجود دارد، شبه‌دولت‌هایی هستند که فقط در اسم، دولت‌اند. این دولت‌ها از تأمین حقوق بشر، مزایای اجتماعی و رفاه اقتصادی ناتوان هستند. سعید عطار و دیگران (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل نهادی دولت‌های ورشکسته»، روند گذار دولت‌های خاورمیانه از دولت‌های ضعیف و شکننده به مرحله بدترین‌ها یعنی همان دولت‌های ورشکسته می‌پردازند.

و اما آثار دسته دوم به مبحث امنیت زیست محیطی ایران و پیامدهای آن برای امنیت ملی ایران می‌پردازند؛ مانند احد رضاییان قیه‌باشی (۱۳۹۷)، در کتاب **آسیب‌شناسی امنیت زیست محیطی ایران (نگاه آینده‌پژوهانه به کلان روندها و پیشران‌های مخرب محیط زیست ایران)** به آسیب‌شناسی امنیت زیست محیطی ایران، عوامل، روندها و

راهکارهایی برای برون رفت از مشکلات پرداخته است. سید محمدتقی رئیس السادات و مراد کاویانی‌راد (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای با عنوان «امنیت زیست محیطی بنیاد همکاری منطقه‌ای (مطالعه موردی بحران ریزگردهای جنوب غرب آسیا)»، مسأله ریزگردها را به عنوان یکی از مواردی که در سالیان اخیر امنیت زیست محیطی را در مقیاس ملی، منطقه‌ای و جهانی مورد تهدید قرار داده، مورد بررسی قرار داده‌اند. وحید رنجبر حیدری و ابراهیم جمشیدی (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مفهوم امنیت زیست محیطی با نگاهی به چالش‌های امنیت زیست محیطی ایران»، با استفاده از روش دلفی و مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته مهم‌ترین چالش‌های مؤثر بر امنیت زیست محیطی ایران را جمع‌آوری، تدوین و اولویت‌بندی کرده‌اند. مراد کاویانی‌راد (۱۳۸۹)، در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل فضایی مخاطرات محیطی و بحران‌های بوم‌شناسی در ایران»، به نقش ساختارهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جوامع در تحولات بوم‌شناسی پرداخته است. طبق یافته‌های نویسنده داده‌ها و یافته‌های موجود گویای فزاینده‌ی دامنه مداخلات انسانی در فرسایشی و تخریب محیط زیست محلی و کروی است.

در بررسی‌های به عمل آمده در پژوهش‌های پیشین هیچ‌کدام به‌طور جامع به مسأله مورد بررسی ما در این پژوهش یعنی تأثیر دولت شکننده عراق بر امنیت زیست محیطی جمهوری اسلامی ایران، نمی‌پردازند. عمده مطالعات در زمینه پژوهش پیش‌رو به مباحث چستی و ماهیت دولت شکننده پرداخته و در برخی از موارد که به پیامدهای آن نگرسته شده عمدتاً بر پیامدهای داخلی آن متمرکز بوده و برخی نیز به پیامدهای منطقه‌ای آن پرداخته‌اند. نتیجه این‌که ادبیات این حوزه یعنی رابطه دولت شکننده عراق با امنیت زیست محیطی ایران ضعیف بوده و منابع چندانی در مورد آن در دست نیست. بر این اساس، پژوهش درصدد گشودن بابی جدید در چگونگی پرداختن به پیامدهای امنیت زیست محیطی منطقه‌ای دولت‌های شکننده است.

۲. چارچوب نظری

۱-۲. دولت شکننده

مبحث دولت‌های شکننده به شکل دقیق بعد از جنگ سرد مطرح و به آن دسته از تهدیدات جدید امنیتی اشاره داشت که در نتیجه منازعه‌ها، فروپاشی‌های اقتصادی و سیاست‌های شکست خورده دولت‌ها در لایه‌های اجتماعی کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین به وجود آمده بودند (Nuruzzaman, 2008: 2). پژوهشگران در ابتدا از اصطلاحاتی چون «دولت ناکام»^۱، «دولت فروپاشیده»^۲، «شبه‌دولت»^۳، «دولت ضعیف»^۴، «دولت نظام نیافته»^۵، «دولت ناکارآمد»^۶ برای توصیف این دولت‌ها استفاده کردند. اما در پژوهش‌های اخیر اصطلاح «دولت شکننده» به سه دلیل جای آن را گرفت. نخست، اصطلاحات پیشین حامل نوعی مطلق‌انگاری بودند. یعنی، دولت‌ها به‌طور مطلق ناکام و از هم‌پاشیده تلقی می‌شدند، یا کارا و باثبات. از این لحاظ، درجات نسبی ناکامی در موارد زیادی، در نظر گرفته نمی‌شد. دوم، مطالعات قبلی به‌طور عموم برای توصیف دولت‌های جهان سوم به کار رفته و وجهه تاریخی شکنندگی تمام دولت‌ها را به حیث قاعده عام در نظر نمی‌گرفتند. این در حالی است که تمام دولت‌ها در زمان‌های متفاوت به درجات مختلفی شکننده بوده و درجه شکنندگی هر دولت تحت عوامل و شرایط متفاوتی تغییر کرده است. در نهایت، اصطلاح دولت شکننده به دلیل «شمولیت» آن وارد ادبیات علوم سیاسی شد. به این معنا که پدیده‌هایی مانند دولت ضعیف، دولت ناکام، دولت از هم‌پاشیده و امثال آن بیان‌گر درجات مختلف شکنندگی دولت‌اند. به این ترتیب اصطلاح دولت شکننده به دلیل این‌که هم قادر به توضیح نسبی میزان توانایی دولت‌ها است و هم می‌تواند عنوان‌های پیشین را در خود بگنجانند، جای اصطلاحات قبلی را گرفت (ابراهیمی، ۱۳۹۴: ۵ - ۴). به همین دلیل شکنندگی دولت و دولت شکننده به حیث کلیدواژه‌های نوشته شده حاضر به کار رفته و کوشیده شده در حد ممکن از بکارگیری اصطلاحات پیشین خودداری شود.

1. Failed State
2. government collapsed
3. quasi-states
4. Weak state
5. Unregulated government
6. Inefficient government

از نظر بین‌المللی، دولت‌های شکننده به‌عنوان یک دولت مستقل مورد شناسایی قرار گرفته‌اند، اما از یک دولت کامل به دور هستند. از این‌روست که رابرت جکسون به آن‌ها شبه‌دولت نیز می‌گوید (Jackson, 1991: 21). تعریف بین‌المللی مشخصی از دولت شکننده وجود ندارد. در چنین مواقعی که توان تعریف چارچوب‌بندی شده و رایج از مفهومی وجود ندارد به ناچار برای شناخت و تعریف آن باید به بیان ویژگی‌های مفهوم پرداخت تا تلاشی بیهوده برای تعریف مورد قبول همگان. برخی مانند سازمان‌های بین‌المللی، دولت شکننده را با ضعف بنیادی آن دولت جهت اقدام‌های ضروری در زمینه نیازهای شهروندان و انتظارات آنان معرفی می‌کنند. این دولت‌ها به‌طور معمول قادر به تأمین امنیت، حفاظت از کارکرد قانون و عدالت یا فراهم کردن خدمات اساسی و فرصت‌های شغلی برای شهروندان‌شان نیستند. مبتنی بر این ویژگی‌ها، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، دولت شکننده را «ناتوان در برآوردن انتظارات شهروندان و مدیریت تغییرها در مطالبات آن‌ها و توانایی به انجام رساندن فرآیندهای سیاسی» می‌داند (OECD, 2015).

به عقیده دونالد پوتر برای هر دولت از نظر بین‌المللی عملکردهایی شناخته شده داشت؛ و دولت شکننده را می‌توان بر اساس نابودی عملکردهای حکومت از نظر بین‌المللی شناخت (Potter, 2004: 3). به باور ویلیام اولسون نیز فهرست دولت‌های شکننده می‌تواند شامل دولت‌هایی شود که انسجام پیوسته آن‌ها را تهدید یا چالش‌های داخلی مهمی برای نظم سیاسی دارند و با مشکلات داخلی جدی روبه‌رو هستند (Olson, 1993: 120). شکننده شدن دولت به معنای این است که نهادهای رسمی دولت جایگاه و مفید بودن خود را به عنوان مرکز تخصیص منابع و ثروت و اعمال قدرت مشروع از دست بدهند. رابرت روتبرگ با تمرکز بر جداسازی مفاهیم مشابه در این حوزه به بیان ویژگی‌های متمایز کننده دولت شکننده با دیگر مفاهیم مشابه پرداخته و معتقد است که شکنندگی دولت را می‌توان به صورت طیفی در نظر گرفت که شامل دولت ضعیف، دولت ورشکسته و دولت فروپاشیده می‌شود. به اعتقاد وی دولت فروپاشیده شکل افراطی دولت شکننده است که در آن خلاء کامل اقتدار وجود دارد (Rotberg, 2003: 5). دولت‌های شکننده را می‌توان با ویژگی‌های مشترکی شناسایی کرد

که عبارت است از: افزایش سطح خشونت‌های سیاسی و جنایی، نبود کنترل بر مرزها، تنش‌های قومی، زبانی، دینی و فرهنگی، ساختارهای ارتباطی و حمل و نقل ضعیف، اقتصاد ضعیف و سطوح کم تولید ناخالص داخلی، سطوح بالای فساد، نظام سلامت ضعیف همراه با میزان زیاد مرگ و میر و کاهش امید به زندگی و فرصت‌های آموزشی محدود و میزان زیاد عملیات تروریستی (Country Report on Terrorism, 2012: 4).

مجله سیاست خارجی و بنیاد صلح نیز با استفاده از یافته‌های تحقیقات بانک جهانی با تعیین دوازده شاخص برای دولت‌های شکننده در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به تعیین مصداق‌ها و درجه‌بندی این دولت‌ها در میان همه کشورهای جهان اقدام کرده‌اند با این فرض که این ویژگی‌ها کم و بیش در میان همه کشورهای جهان یافت می‌شود؛ اما آنچه دولت‌های شکننده را از دیگر دولت‌ها جدا می‌کند، میزان و شدت شکنندگی است. این شاخص‌های دوازده‌گانه به این شرح است:

جدول شماره ۱. شاخصهای دولت شکننده			
ابعاد	اجتماعی	اقتصادی	سیاسی
شاخص-ها	۱. افزایش فشارهای جمعیت	۵. توسعه اقتصادی	۷. وجود تلقی مجرمانه از دولت و مشروعیت‌زدایی از آن
	۲. جریان وسیع آوارگان یا جابه‌جایی افراد در داخل کشور و پیدایش وضعیت اضطراری		۸. افول سریع عرضه خدمات عمومی
	۳. وجود گروه‌های انتقامجو یا گروه‌های ایجاد کننده ترس و وحشت		۹. تعلیق یا کاربرد دلخواهانه قانون و گسترش خشونت علیه حقوق بشر
	۴. فرار افراد به صورت مداوم و پایدار		۱۰. وجود نیروهای امنیتی و اقدام آنها به شکل دولت در دولت
			۱۱. ظهور نخبگان برای تفرقه‌سازی
			۱۲. مداخله دولتهای دیگر و بازیگران سیاسی خارجی

(<https://fragilestatesindex.org/country-data/> (2019) & Gould and Pate, 2016: 655)

بر این اساس مؤلفه‌های دولت شکننده عبارت‌اند از:

۱. انحصار قدرت نظامی (سلطانی گیشینی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۲۱).
 ۲. تعاملات بحران‌زای بین‌المللی و منطقه‌ای به ویژه در ارتباط با همسایگان (Jackson, 1991: 177).
 ۳. این دولت‌ها در روند بی‌تفاوتی و به گونه‌ای روزافزون، قابلیت‌های خود را به‌عنوان مرجع تأمین ارزش‌های سیاسی (به ویژه امنیت) و مجری وظایف دولت - ملت در جهان مدرن از دست می‌دهند. در این شرایط، شهروندان به تدریج به خرده‌گروه‌ها به عنوان منبع انحصاری تأمین نیازهای اساسی خود به ویژه امنیت و فرصت‌های اقتصادی توجه و وفاداری به این خرده‌گروه‌ها را جایگزین حمایت خود از دولت می‌کنند. بروز چنین شرایطی که از تحرک نیروهای اغتشاش‌آفرین، استیلاي بازیرگان فرودولتی، آزادسازی نوعی انرژی سیاه در عرصه وحدت‌آفرینی ملی حکایت دارد، زمینه‌های مناسبی را برای پیدایی شبکه‌های تروریستی فراهم خواهد آورد (Rotberg, 2003: 5).
 ۴. جامعه مدنی شکننده و ساختارهای نهادی توسعه نیافته (Howard, 2014: 42-44).
 ۵. ناکارآمدی نهادهای سیاسی و اجرایی مشروع (Yoo, 2011: 37).
 ۶. بی‌ثباتی اقتصادی و ناکارآمدی تأمین رفاه اقتصادی (کاظمی، ۱۳۹۵: ۴).
- این دولت‌ها در چارچوب نظم آنارشیک دولت‌های باثبات قادر به فعالیت نیستند و وضعیت آنارشی را با توجه به شرایط خود بدتر می‌کنند؛ از این رو تهدیدی علیه همسایگان منطقه‌ای خود و نظام بین‌الملل هستند (Jackson, 1991: 177-181)؛ زیرا این دولت‌ها از منظر داخلی توانمند و صاحب اقدار برتر نیستند و با توجه به افزایش سطح خشونت سیاسی، نبود کنترل بر مرزها، تنش‌های قومی، زبانی، هویتی، فرهنگی، میزان مخاطرات و مشکلات زیست محیطی مغلوب هستند. در مجموع ظهور دولت‌های شکننده پیامدهای متعددی را در ابعاد ملی (داخلی)، منطقه‌ای و بین‌المللی دربر دارد. پیامدهای منطقه‌ای ظهور دولت شکننده، اگر چه در وهله اول واضح به نظر می‌آید، تا کنون تلاش درخوری در مورد آن صورت نگرفته است. برخی پژوهش‌ها به زوایای



بین‌المللی آن پرداخته‌اند که بیش‌تر به مسئولیت‌های دولت‌های بزرگ در ارتباط با تهدیداتی ناظر است که دولت‌شکننده برای جامعه بین‌المللی تولید می‌کند. نکته مهمی که در این پژوهش برجسته می‌نماید، ارتباط استوار پیامدهای داخلی و سطح ملی دولت‌های شکننده با پیامدهای منطقه‌ای آن است؛ به عبارتی دیگر اگر بحران اقتدار را مهم‌ترین پیامد و سرجمع تمامی پیامدهای دولت‌شکننده در عرصه داخلی آن بدانیم، می‌توان به تبیین بهتر و عمیق‌تر پیامدهای منطقه‌ای آن نیز رسید؛ به سخن دیگر فهم بحران اقتدار در هر دولت شکننده بستر و مجرای اصلی فهم پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی آن نیز خواهد بود.

۲-۲. امنیت زیست محیطی

در مقدمه بیانیه کنفرانس سازمان ملل متحد درباره محیط زیست انسان در سال ۱۹۷۲ استکهلم به دولت‌ها اعلام می‌دارد: «انسان مخلوق و شکل‌دهنده محیط زیست خود است؛ محیطی که به وی بقای فیزیکی، فرصت رشد معنوی (اخلاقی، اجتماعی و روحی) عطا می‌کند.» (کیس و دیگران، ۱۳۸۴: ۶) در واقع، آنچه حقوق محیط زیست در پی آن است، این است که انسان‌ها حق دارند که محیط زیست آن‌ها از شرایط مناسب برای زندگی سعادت‌مندانه توأم با امنیت و سلامت برخوردار باشد (فیروزی، ۱۳۸۴: ۵۳). مباحث زیست محیطی در اواخر قرن بیست وارد فرآیندهای عملی جوامع غربی شده و در حوزه‌های سیاسی و سیاست‌گذاری حضور پیدا کردند. ورود این مباحث به حوزه مباحث امنیتی اندکی با تأخیر صورت گرفت و با ظهور مکتب انتقادی و طرح مسائل زیست محیطی از سوی اندیشمندان این مکتب، به ویژه باری بوزان، این روند شکل گرفته و مورد توجه نهادهای مرتبط در بخش نظری، مطالعاتی، سیاست‌گذاری و اجرایی قرار گرفت (لطفی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۳۱).

بوزان در نگاه جدید خود به موضوع امنیت و تمایز حوزه‌های پنج‌گانه امنیت معتقد است: «چارچوب تازه برای تحلیل امنیت حاصل توسعه دستورکار امنیت به گونه‌ای است که علاوه بر بخش‌های نظام سیاسی، سایر بخش‌ها را نیز در نظر می‌گیرد. این اقدام صرفاً به معنای افزودن وصف اقتصادی، زیست محیطی، اجتماعی و ... به واژه امنیت

نیست، بلکه مستلزم اندیشیدن بسیار دقیق درباره معنای امنیت و به کار بستن نتایج حاصله در طیفی از پوشش‌ها است». از نظر وی «امنیت زیست محیطی ناظر است بر حفظ محیط محلی جهانی به عنوان سیستم پشتیبانی ضروری که تمامی حیات بشری به آن متکی است. همه دولت‌ها نسبت به تهدیدات نظامی و زیست محیطی آسیب‌پذیرند و همه در معرض تهدیدات اقتصادی قرار دارند و بسیاری از آن‌ها از فقدان امنیت سیاسی و اجتماعی به‌طور جدی رنج می‌برند.» (بوزان، ۱۳۸۷: ۳۵)

امنیت زیست محیطی بیان‌گر یک چرخش قابل ملاحظه از این رویکرد به امنیت ملی است که دو مسأله مجزا را بیان می‌کند: عوامل زیست محیطی که در پشت سر برخوردهای خشونت‌آمیز قرار دارند و نیز تأثیر تخریب محیط زیست جهانی بر سلامتی جوامع و اقتصادها. امنیت زیست محیطی ذاتاً به لحاظ ویژگی خاص آن، بیش‌تر یک پدیده جهانی است تا ملی. از آن‌جا که تهدیدات زیست محیطی همه انسان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد بنابراین، همکاری جمعی در مقیاس جهانی را می‌طلبد (Homer, 1994: 494). تاکنون از امنیت زیست محیطی تعاریف مختلفی به عمل آمده که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- امنیت زیست محیطی، امنیتی است که در چارچوب آن برخورداری از طبیعت و محیط زیست سالم و غنی، حق طبیعی انسان تلقی می‌شود و از آن حمایت به عمل آید (قنبرلو، ۱۳۹۲: ۲۱۲ - ۲۱۱).

۲- امنیت زیست محیطی به حفظ زیست سپهر محلی و کل کره زمین که اصلی‌ترین نظام پشتیبان تمامی فعالیت‌های بشری است، اشاره دارد (بوزان و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۲۶).

۳- امنیت زیست محیطی به معنای پاسداری از محیط طبیعی، منافع حیاتی شهروندان، جامعه و دولت از تأثیرات داخلی و خارجی و تهدیدات منفی طی فرآیند توسعه است که سلامت انسان، تنوع زیستی و عملکرد پایدار زیست بوم و بقای نوع بشر را تهدید می‌کند (کاویانی‌راد، ۱۳۹۲: ۳۲ - ۲۸).

۴- امنیت زیست محیطی، پاسداری از منافع حیاتی فرد، جامعه و محیط زیست طبیعی در برابر تهدیدهای برخاسته از برخوردهای انسانی و طبیعی محیط زیست است (کاویانی‌راد، ۱۳۹۲: ۳۲ - ۲۸).

۳. دولت شکننده عراق

تاریخ عراق نمونه‌ای از یک «دولت شکست خورده» است. ساخت این کشور به ظاهر توجیهی جغرافیایی داشته، اما ملاحظات قومی و ملی را نادیده گرفته است (آلیس، ۱۳۸۶: ۲۰۲). اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ به فروپاشی اجتماعی و سیاسی بی‌سابقه‌ای منجر شد؛ به طوری که جایگاه این کشور را در جمله کشورهای شکننده قرار داد. تهاجم آمریکا دیکتاتوری صدام را در هم شکست، اما در استقرار ثبات و دولت کارآمد و مقتدر شکست خورد و سال‌ها درگیری داخلی و تلفات انسانی را در پی داشته است (Cordesman and Khazai, 2014: 4). خلاء قدرت سیاسی ناشی از سقوط رژیم صدام، هرج و مرج و خشونت‌های برساخته از مطالبات سیاسی مردم، زیان و خسارتی که در پی بیش از یک دهه تحریم بر زیرساخت‌های خدمات اساسی و اقتصاد این کشور وارد آمده بود، اشتباه‌های حکومت موقت، آمادگی کم نیروهای ائتلاف در اداره عراق و نیز حساس نبودن آن‌ها به برخی از مسائل فرهنگی و اجتماعی زمینه‌ساز شروع بحران‌های امنیتی شد (داویشا، ۱۳۸۶: ۲۸۰ - ۲۷۹). در نتیجه این بحران‌ها، دولت عراق در تأمین نیازهای اساسی مردم و حفظ امنیت انسانی در برابر تهدیدهای داخلی و خارجی و تثبیت زیرساخت‌های فیزیکی و ارائه خدمات عمومی ضروری با مشکل روبه‌رو شد.

در این نوشتار به منظور بررسی وضعیت شکنندگی در عراق از شاخص‌های مرکز بنیاد صلح^۱ استفاده می‌شود که بر اساس سه شاخص اصلی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و دوازده شاخص زیرمجموعه فشارهای جمعیتی، آوارگان، اعتراضات گروهی، مهاجرت و فرار مغزها، توسعه نامتوازن، زوال اقتصادی، مشروعیت‌زدایی از دولت، خدمات عمومی، حقوق بشر، وضعیت امنیتی (نیروهای نظامی خودگردان)، تفرق جناح‌بندی نخبگان و مداخله خارجی بررسی می‌شود. بر اساس گزارش‌های بنیاد صلح و رتبه‌بندی‌های سالانه بانک جهانی از وضعیت کشورها، دولت عراق در وضعیت مناسبی نیست (FRAGILE STATES INDEX (FFP), 2006-2019). در ادامه به طور خلاصه به شاخص‌های شکنندگی دولت عراق در سه بعد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی - امنیتی می‌پردازیم:

1. The Fund for Peace

جدول شماره ۲. وضعیت شکنندگی عراق ۲۰۱۹ - ۲۰۰۶

سال	رتبه	شکنندگی	شاخص جمعیتی (DFI)	ازوالی (RFI)	انحرافات گرهی (G@)	مهارت نیرو (HF)	نوسان ناموزن (UD)	زوال اقتصادی (ED)	شهرزادگی دولت (SU)	خدمات عمومی (PS)	سوءرفتار (HR)	وضعیت امنیتی (SA)	تفرق بینگانی (FB)	مخالفات خارجی (EX)
۲۰۱۹	۱۳	۸۴	۱۴۱	۸۸	۸۸	۷۱	۶۷	۵۹	۸۹	۸۷	۸۱	۸۷	۴۶	۴۱
۲۰۱۸	۱۱	۸۷	۱۴۲	۹۳	۹۳	۷۴	۷۰	۶۳	۹۲	۸۳	۸۴	۹۰	۴۶	۴۴
۲۰۱۷	۱۰	۸۶	۱۴۴	۹۹	۹۹	۷۷	۷۳	۶۶	۹۵	۸۲	۸۷	۱۰۰	۴۶	۴۷
۲۰۱۶	۱۱	۸۱	۱۴۷	۹۴	۹۴	۷۹	۷۵	۶۸	۹۲	۷۸	۸۹	۱۰۰	۴۶	۴۷
۲۰۱۵	۱۳	۸۲	۱۴۶	۸۹	۸۹	۸۱	۷۸	۶۹	۹۲	۷۵	۸۹	۱۰۰	۴۶	۴۶
۲۰۱۴	۱۳	۸۰	۱۴۲	۸۵	۸۰	۸۰	۸۱	۷۰	۸۷	۷۷	۸۷	۱۰۰	۴۶	۴۹
۲۰۱۳	۱۱	۸۳	۱۴۳	۸۸	۸۳	۸۳	۸۴	۷۳	۸۶	۷۶	۸۶	۱۰۰	۴۶	۴۵
۲۰۱۲	۹	۸۰	۱۴۳	۸۵	۸۰	۸۶	۸۷	۷۷	۸۴	۷۸	۸۳	۹۹	۴۶	۴۰
۲۰۱۱	۹	۸۳	۱۴۸	۹۰	۹۰	۸۹	۹۰	۷۰	۸۷	۸۰	۸۶	۹۵	۴۶	۴۳
۲۰۱۰	۷	۸۵	۱۴۳	۸۷	۹۳	۹۳	۸۸	۷۶	۹۰	۸۴	۹۱	۹۵	۴۶	۴۵
۲۰۰۹	۶	۸۷	۱۴۶	۸۹	۹۱	۹۷	۸۶	۷۶	۹۰	۸۴	۹۳	۹۷	۴۶	۱۰۰
۲۰۰۸	۵	۹۰	۱۱۰	۹۰	۹۸	۹۳	۸۵	۷۸	۹۴	۸۵	۹۶	۹۹	۴۸	۱۰۰
۲۰۰۷	۲	۹۰	۱۱۱	۹۰	۱۰۰	۹۵	۸۵	۸۰	۹۴	۸۵	۹۷	۱۰۰	۴۸	۱۰۰
۲۰۰۶	۴	۸۹	۱۴۰	۸۳	۹۸	۹۱	۸۷	۸۲	۸۵	۸۳	۹۷	۹۸	۴۷	۱۰۰

(FRAGILE STATES INDEX (FFP) 2006-2019, (2019))

۳-۱. شاخص‌های اقتصادی شکنندگی دولت عراق

توسعه اقتصادی نامتوازن، فقر و زوال اقتصادی دو معیار سنجش شاخص اقتصادی دولت‌های شکننده‌اند که از جمله مصادیق آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: نسبت درآمد طبقات بالا و پایین جامعه، پراکندگی خدمات شهری در برابر خدمات روستایی، شمار جمعیت حاشیه‌نشین، کسری اقتصاد، بدهی حکومت، بیکاری، برآمدگی جوانان، قدرت خرید، تورم، سرانه تولید ناخالص داخلی و رشد تولید ناخالص داخلی (FRAGILE STATES INDEX (FFP) 2006-2019, 2019). چالش اصلی دولت عراق در حوزه اقتصادی تخریب زیرساخت‌های اقتصادی این کشور در نتیجه جنگ، ناامنی ناشی از منازعات داخلی و استمرار خشونت پس از جنگ است. ضعف قوانین و مقررات بازرگانی و ناامنی داخلی، تمایل همسایگان این کشور را برای توسعه تجارت و سرمایه‌گذاری در عراق کاهش داده است (Blanchard, eds. 2009: 3). وابستگی زیاد به منابع نفتی یکی از مشکلات اقتصادی عراق است. در زمینه فساد نیز این کشور جایگاه بسیار بدی در میان کشورهای جهان دارد. بر اساس گزارش سازمان شفافیت بین‌المللی،

عراق در سال‌های ۲۰۰۶، ۲۰۰۷، ۲۰۰۸، ۲۰۰۹، ۲۰۱۰، ۲۰۱۱، ۲۰۱۲، ۲۰۱۳، ۲۰۱۴، ۲۰۱۵، ۲۰۱۶، ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ از نظر شاخص فساد اداری و مالی، میزان اختلاس، کلاهبرداری، پولشویی، قاچاق نفت و رشوه‌خواری به ترتیب در رتبه‌های ۱۶۰، ۱۷۸، ۱۷۸، ۱۷۶، ۱۷۵، ۱۷۵، ۱۶۹، ۱۷۱، ۱۷۰، ۱۶۱، ۱۶۶، ۱۶۹ و ۱۶۸ قرار داشته است (Corruption Perceptions index, 2006- 2018). در واقع با وجود افزایش درآمدهای نفتی عراق در سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۸ هنوز به دلیل ضعف‌های مدیریتی و فساد گسترده، مشکلات فراوانی در خصوص بازسازی زیرساخت‌ها وجود دارد.

۲-۳. شاخص‌های اجتماعی شکنندگی دولت عراق

فشارهای جمعیتی، آوران و بی‌خانمانی شدید، مداخلات خارجی، مهاجرت انسانی و فرار مغزها از جمله شاخص‌های اجتماعی مورد بررسی در دولت‌های شکننده محسوب می‌شود (FRAGILE STATES INDEX (FFP)2006-2019, 2019). عراق با قرار داشتن در گروه دولت‌های شکننده از نظر شاخص‌های اجتماعی در وضعیت پیچیده‌ای قرار دارد و بعد از سال ۲۰۰۳ به دلیلی درگیر بودن در منازعات و تنش‌های قومی و فرقه‌ای در زمینه بهبود شرایط زندگی شهروندانش پیشرفت چندانی نداشته است. رتبه این کشور از نظر شاخص توسعه انسانی ملل متحد ۱۲۰ بوده است (UNITED NATIONS DEVELOPMENT PROGRAME, 2018). ناکارآمدی دولت در فراهم کردن خدمات متناسب با رشد جمعیت، به سرخوردگی تعداد زیادی از زنان و مردان جوان در یافتن شغل، مسکن و ازدواج منجر می‌شود (Cordesman, 2015: 8). همچنین عملکرد و توانایی دولت عراق در سال‌های گذشته در اعمال اقتدار، عرصه خدمات عمومی به شهروندان، کاهش فشارها و کاستن از خطر بلایای طبیعی و حوادث اجتماعی ضعیف بوده است.

۳-۳. شاخص‌های سیاسی و امنیتی شکنندگی دولت عراق

رهبران سیاسی و نظامی عراق با چالش‌های امنیتی بزرگ، شکاف‌های عمیق جناحی و زنجیره‌ای از مشکلات مرتبط به هم روبه‌رو هستند. دولت عراق در تلاش برای ساختن

یک دولت ملی و متحد کردن شیعه و سنی و عرب و کُرد شکست خورده است؛ به طوری که در این سال‌ها سنی‌ها احساس بیگانگی بیش‌تری می‌کنند و کُردها به جداسازی راه خود بیش‌تر ترغیب شده‌اند (Cordesman and Khazai, 2014: 1). این ویژگی سبب می‌شود اطلاق مفهوم ملت - دولت به عراق، معنا نداشته باشد و هرگونه تعادل قومیتی در عرصه سیاسی عراق، موقتی و شکننده باشد (پورسعید، ۱۳۹۰: ۲۱۴). بر این اساس از جمله شاخص‌های سیاسی و امنیتی در دولت شکننده عراق می‌توان به میزان مشروعیت دولت، خدمات عمومی، حقوق بشر و حاکمیت قانون، وجود ارتش‌های چریکی و نیروهای مسلح خودگردان و مداخله خارجی اشاره کرد.

از جمله موارد مهمی که باید در شاخص‌های سیاسی و امنیتی عراق به آن اشاره کرد، وجود ارتش‌های چریکی و نیروهای مسلح خودگردان است. فرقه‌ای شدن ارتش و نیروهای امنیتی عراق به افزایش تهدیدهای نظامی کشورهای همسایه و تشدید اختلاف‌های سیاسی و فساد میان احزاب سیاسی منجر شده است و بنیادهای ساختاری دولت عراق را به مخاطره انداخته است (Ahram, 2015: 21). در این میان القاعده و ظهور دولت اسلامی عراق و شام (داعش) به عنوان یکی از مهم‌ترین گروه‌های تأثیرگذار در بحران‌های امنیتی عراق بعد از سال ۲۰۰۳ در ناامنی و بی‌ثباتی عراق و تشدید شکنندگی دولت تأثیر مهمی داشته است. در واقع شرایط بی‌ثبات و خشن عراق، فقدان فرآیندهای مشارکتی فراگیر و فقدان حفاظت از حقوق سیاسی، مدنی، اقتصادی و اجتماعی در میانه آشوب‌های منطقه‌ای، راه را برای داعش و دیگر گروه‌های تندرو برای بهره‌برداری از سرخوردگی قبایل محلی سنی و سرکوب‌های خشونت‌آمیز هموار کرد (کولائی و اکبری، ۱۳۹۶: ۱۶۸).

۴. دولت شکننده عراق و تهدید امنیت زیست محیطی ایران

مشکل آلودگی محیط زیست امروز جهان، مشکل تنها یک کشور یا یک قلمرو خاص نیست، بلکه مشکل کل جهان است و در بردارنده مسائل مختلفی است که از جمله می‌توان به آلودگی آب و هوا، گرم شدن کره زمین، بالا آمدن سطح آب دریاها، انهدام گونه‌های گیاهی و جانوری، فرسایش لایه ازن و ... اشاره داشت. خسارات ناشی از

ریزگردها نظیر سایر آلاینده‌های هوا متعدد و متنوع است. عراق به عنوان کشوری با مشخصه‌های شکنندگی (سیاسی، اجتماعی و اقتصادی)، در بُعد زیست محیطی کانون مشکلات بسیاری می‌باشد که به صورت مستقیم سلامت و امنیت عراق و امنیت منطقه‌ای همسایگان متأثر از آن می‌باشد. این مسأله پوشیده‌ای نیست و تعدادی از سازمان‌های بین‌المللی همچون سازمان ملل، سازمان بهداشت جهانی، یونسکو و سازمان جهانی غذا، در آمارهای خود بر گوشه‌هایی از بحرانی شدن محیط زیست در عراق پرتو می‌افکنند.

از جمله مشکلات زیست محیطی عراق می‌توان به تغییرات اقلیمی، خشکسالی، منابع آبی، خطرات کم آبی، مدیریت منابع آب، شوری آب‌های زیرزمینی، فقدان تنوع زیستی، هورهای عراق، ریزگردها، آلودگی دریایی، آلودگی در نتیجه منازعات، مناطق آلوده و مناطق خطرناک در عراق، آلودگی در نتیجه سوزاندن چاه‌ها و گسترش فعالیت‌های نفتی، پسماند و زباله‌ها و به کارگیری آب به‌عنوان اسلحه اشاره کرد. یکی از مهم‌ترین مسائلی که فشار زیادی روی محیط زیست عراق ایجاد می‌کند توسعه مناطق خشک و صحرایی است و صحرایابی حدود ۷۰ درصد زمین‌های کشاورزی و ۹۰ درصد دشت‌ها را به دلیل کمبود آب که خود اثر تغییرات جوی می‌باشد را تشکیل می‌دهد و این با افزایش تعداد ساکنین مشکلات تغذیه را ایجاد می‌کند. گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۱۷ نشان می‌دهد، از میان کشورهای خاورمیانه عراق بیش‌ترین آسیب را از تغییرات اقلیمی دیده است. عراق تا کنون دو دوره بزرگ خشکسالی را به‌خصوص در مناطق مرکزی، جنوب و غرب عراق (۱۹۹۹ - ۱۹۹۸) و (۲۰۰۸ - ۲۰۰۷) تجربه کرده است (بابان، ۱۳۹۷):

بحران کم آبی در عراق به سطح بی‌سابقه‌ای رسیده است. عراق از جهت آب در درجه اول بر نزولات جوی و سپس آب‌های جاری یعنی رودهای دجله، فرات، شعبات آن‌ها و اروندرود و آب‌های زیرزمینی متکی است. کنترل کشورهای همسایه و تصمیم‌های تکررانه و بدون هماهنگی با کشورهای شریک در اجرای طرح‌های غول‌آسا و ساخت سدهای بزرگ به منظور آبیاری مناطق وسیع کشاورزی و تولید برق، موجب کاهش شدید میزان آب در رودهای دجله و فرات و اروندرود گردیده و به شکل

بی سابقه‌ای میزان شوری آب در اروندرود را بالا برده است (بابان، ۱۳۹۷). انجمن عربی محیط زیست اعلام کرد که منابع آبی کشور عراق از سال ۱۹۹۵ به میزان قابل ملاحظه‌ای کاهش یافت به صورتی که میزان آب زلال موجود در قبال هر شخص در سال ۱۹۹۵ برابر با ۱۸,۴۴۱ مترمکعب بود ولی در سال ۲۰۱۰ به ۲,۴۰۰ برای هر شخص رسید و در سال ۲۰۲۵ پیش‌بینی می‌شود که به ۱,۷۰۰ مترمکعب برسد. در این ارتباط باید به تأثیر نزاع‌های مسلحانه و جنایات گروه تروریستی داعش و تلاش‌های نظامی برای بازپس‌گیری مناطق اشغال شده اشاره داشت. محیط زیست عراق قربانی بی‌زبان گروه‌های داعش گردیده که چاه‌های نفت و سدها را هدف قرار می‌دادند و سیاست زمین سوخته و تخریب سازمان یافته را اجرا می‌کردند. آتش زدن چاه‌های نفت قیاره، صنایع کبریت‌سازی در مشراق و پالایشگاه بیجی همچنین راه‌اندازی پالایشگاه‌های نفتی ابتدایی و قاچاق مستمر نفت برای تأمین منابع مالی فعالیت‌های تروریستی از جمله فعالیت‌های گروه تروریستی داعش به‌شمار می‌رود (بابان، ۱۳۹۷).

برای چهار دهه، عراق از جنگ‌های خارجی با کشورهای همسایه، درگیری‌ها و عدم تحرکات داخلی رنج می‌برد، که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر تمام اجزای محیط تأثیر منفی گذاشته است. در طول چند دهه این منطقه شاهد تغییرات شدید جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی بوده است که منجر به بازتاب‌های جدی و خطرناکی در مورد محیط زیست محلی و منطقه‌ای به‌طور کلی شده است. تغییرات عمده خشک کردن تالاب‌ها، ورود آب کم به عراق، کاهش فضاها، سبز و غفلت از نقض دستورالعمل‌ها و قوانین زیست محیطی است (Ministry of Environment - Republic of Iraq 2013-). در واقع دلایل متعدد ضعف در زیست محیط عراق که موجب تأثیرپذیری بحران ریزگردها از بیابان‌های عراق می‌شود وجود دارد که با عوامل زنده و غیر زنده در محیط زیست یا به‌طور مستقیم به دلیل تماس مستقیم یا به‌طور غیر مستقیم با عوامل داخلی و خارجی ارتباط دارند. بر این اساس دلایل ضعف در محیط زیست عراق را می‌توان به‌صورت زیر خلاصه کرد:

۱. افزایش جمعیت (فشار)

۲. شهرنشینی (رشد شهری)

۳. بیابان‌زایی و تخریب زمین
۴. عدم آگاهی محیط زیستی
۵. ناکافی بودن سیستم‌های نظارتی محیط زیستی
۶. جنگ و وضعیت سیاسی

دلایلی که ذکر شد منجر به تعدادی از اثرات منفی در محیط زیست عراق از جمله کمبود و آلودگی منابع آب، آلودگی هوا، تضعیف تنوع زیستی، آلودگی آب‌های دریایی و... شده است (Ministry of Environment - Republic of Iraq 2013- 2017, (2013): (15-19).

کشور ایران همواره در معرض تهدیدات زیست محیطی قرار داشته است. عوامل زیست محیطی همچون تأمین انرژی و دستیابی به آن، آلودگی آب رودخانه‌ها و دریاها، ریزگردها، بیابان‌زایی، خشکسالی، تغییرات آب و هوا، افزایش جمعیت و مهاجرت در ایجاد تنش، واگرایی، بر هم زدن نظم عمومی و از همه مهم‌تر بر امنیت ملی ایران، تأثیرات قابل توجهی دارند (جاجرمی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۹۵). با توجه به اهمیتی که محیط زیست به عنوان یکی از نیازهای اساسی جوامع امروزی برای بقا در محیط به شدت رقابتی و با تغییرات گسترده دارد؛ دو نکته مهم در آینده محیط زیست ایران باید مورد توجه قرار گیرد، اول شناسایی عوامل تأثیرگذار مستقیم در محیط زیست ایران، دوم شناسایی عوامل محیطی و پیش‌ران تغییرات محیط زیست ایران (زارع و روغنیان، ۱۳۹۴). از این رو، لازم است مهم‌ترین پیش‌ران‌ها و چالش‌های زیست محیطی ایران، شناسایی و برابر آن زمینه دستیابی به توسعه پایدار و حفظ امنیت، فراهم گردد.

در ایران، روند تخریب محیط زیست در طول چند دهه اخیر افزایش بی‌سابقه‌ای یافته، به گونه‌ای که در این زمینه و در بسیاری از موارد، پیشگام دیگر کشورهاست. رشد و گسترش اندیشه‌های سوداگرانه و مصرف فزاینده مواد و انرژی، فناوری‌های صنعتی، افزایش جمعیت و لزوم توجه به تأمین نیازها و خواسته‌های آن، افزایش سطح رفاه و گاه تشدید فقر و چیرگی انسان بر طبیعت، فروسایی آن را در پی داشته و تداوم این اوضاع، مقوله محیط زیست را در مفهوم فراگیر آن با چالش‌های جدی مواجه ساخته است. شدت دامنه آلودگی و تخریب محیط زیست در ایران به حدی است که دیگر نمی‌توان

بر آن سرپوش نهاد؛ به طوری که زمینه توسعه با تخریب محیط همزاد شده است (کاویانی راد، ۱۳۸۹: ۳۴ - ۳۳).

به نظر می‌رسد تداوم تشدید تخریب و آلودگی محیط زیست کشور، چنان نتایج زیان‌بار و دیرپایی در ابعاد مختلف به دنبال داشته که گاه بهسازی و بازسازی آن‌ها، اگر نه ناممکن که بسیار پرهزینه و زمان‌بر خواهد بود، به طوری که شایسته اطلاق عنوان بحران زیست محیطی هستیم (کاویانی راد، ۱۳۸۹: ۳۴ - ۳۳). در ارتباط با بحران‌های سریع اثر محیط زیستی، ایران به عنوان یکی از سانحه‌خیزترین کشورهای جهان به‌شمار می‌آید که هر ساله خسارات فراوانی را از سوانح طبیعی متحمل می‌گردد. مرکز اپیدمیولوژی سوانح سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۰، چهل نوع سانحه طبیعی را شناسایی کرد که در ایران از بین این حوادث و سوانح، ۳۱ مورد شناسایی و دارای سابقه بوده است (عزیزی مهماندوست، ۱۳۹۰: ۲۵).

بدین ترتیب هر چند تهدیدات زیست محیطی که امنیت ایران را با خطر مواجهه نموده است طیف گسترده‌ای را در بر می‌گیرد، اما چنان که از اظهارنظرهای کارشناسان مختلف و از نقطه مشترک مقالات گوناگون به دست می‌آید، می‌توان آن‌ها را در ذیل چند مورد دسته‌بندی نمود. به عنوان نمونه در یکی از جدیدترین این گزارش‌ها، گری لویس^۱ (هماهنگ‌کننده وقت مقیم سازمان ملل متحد و نماینده مقیم برنامه توسعه ملل متحد در ایران) پنج چالش کنونی محیط زیست ایران را که امنیت انسانی را به مخاطره می‌اندازد به شرح زیر بر می‌شمرد: اول کم آبی، به طور کلی آب بزرگ‌ترین محدودیت منابع در ایران و بزرگ‌ترین خطر محیط زیست ایران در درازمدت است. دوم آسیب‌دیدگی و فرسایش خاک که این تهدید از دو منبع بیابان‌زایی و جنگل‌زایی نشأت می‌گیرد. سوم بحران انرژی، چهارم آلودگی هوا که تأثیر آن بر کیفیت زندگی مردم ایران احتمالاً آنی‌ترین، ملموس‌ترین و مشهودترین تهدید است. به طوری که مطابق ارزیابی سازمان جهانی بهداشت شهرهای اهواز، کرمانشاه و سنندج جزو آلوده‌ترین شهرهای جهان و شرایطی بدتر از تهران دارند. و بالاخره پنجمین چالش زیست محیطی، خسارت از دست رفتن تنوع زیستی است (Lewis, 2014: 9-17). لذا در ادامه به بررسی و

1. Gary Lewis

ارزیابی پدیده گرد و غبار به عنوان مهم‌ترین چالش زیست محیطی متأثر از کشور عراق بر امنیت زیست محیطی جنوب غرب ایران پرداخته خواهد شد.

۵. بحران طوفان ریزگردها؛ مهم‌ترین چالش امنیت زیست محیطی ایران

چالش‌های زیست محیطی از مهم‌ترین پیش‌ران‌های تغییر و سبب شکل‌گیری بحران‌های آینده است که در هر یک از مناطق جهان به گونه‌ای حیات بشر را به مخاطره انداخته است. جنوب غرب آسیا نیز از این امر مستثنی نیست و موقعیت خشک و بیابانی، این منطقه را در معرض یکی از جدی‌ترین بحران‌های زیست محیطی و تغییرات اقلیمی قرار داده است که خشکسالی‌های طولانی از جمله آن‌ها است. پدیده طوفان ریزگرد نمونه دیگری از ابعاد مختلف این بحران است (زواری، ۱۳۹۴: ۱۴ - ۱۲). در حقیقت یکی از مهم‌ترین بحران‌های زیست محیطی در مناطق خشک و نیمه خشک، پدیده مخرب بیابان‌زایی و فرسایش بادی می‌باشد که وقوع طوفان‌های گرد و غبار و حرکت ریزگردها از پیامدهای آن محسوب می‌شود. طی سالیان اخیر طوفان‌های گرد و غبار در خاورمیانه و بخصوص در بیابان‌های عربستان و عراق اثرات زیان‌بار بسیاری را برای کشورمان به همراه داشته که دامنه آن تا شهرهای عمده مرکز کشور نیز کشیده شده است. وسعت خسارات این پدیده، تنها محدود به تهدید اراضی کشاورزی و مناطق صنعتی نبوده، بلکه با مختل نمودن زندگی عادی شهروندان آشکارا تبدیل به یک تهدید جدی زیست محیطی شده و واکنش افکار عمومی را به دنبال داشته است. فزاینده‌گی دامنه غلظت گرد و غبار در اشکال کاهش میدان دید، افزایش تصادفات، لغو مکرر پروازها، تعطیلی ادارات، کاهش تردد مردم و در نتیجه، کاهش میزان فعالیت‌های اقتصادی، به ویژه در استان‌های مرزی، بروز حملات آسمی، قلبی، ریوی و عفونت‌های چشمی، زیان هنگفت بیمه‌ها و مانند آن نمود یافته است. گسترش ابعاد و پیامدهای این مخاطره طبیعی، آن را در اندازه، موضوعی امنیتی و سیاسی بر کشیده است (کاویانی‌راد، ۱۳۸۹: ۵۰). از این‌رو بحران ریزگردها را می‌توان به مثابه تهدیدی بالقوه برای امنیت زیست محیطی و ملی در منطقه تلقی نمود. اثرات چنین تغییراتی، تهدیدهای کوتاه‌مدت و بلندمدتی را برای امنیت انسانی به وجود می‌آورد (طوفان، ۱۳۸۹: ۹۴۳).

بر اساس مطالعات انجام شده (بررسی تصاویر ماهواره‌ای و نقشه‌های گرد و غبار از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۵) ریزگردهای جنوب غرب کشور منشأ خارجی داشته و شامل شمال غرب عراق و شرق سوریه، دو طرف رودخانه فرات، تالاب‌ها و زمین‌های خشک شده جنوب عراق (بین‌النهرین)، زمین‌های اطراف و شمال دریاچه تارتار در عراق، زمین‌های غرب عراق (استان الانبار) و شرق سوریه (استان حمص) و مناطق مرزی شمال عربستان و شرق اردن می‌باشد که به‌ویژه بستر خشک دجله و فرات به دلیل سیاست‌های سدسازی در کشور بالادست (ترکیه) مسبب آن است (Cagaptay and Otun, 2012: 2). و مناطقی که تحت تأثیر این گرد و غبار قرار می‌گیرند عبارت‌اند از: جنوب ایران (استان‌های هرمزگان و بوشهر)، غرب ایران (استان‌های ایلام و خوزستان)، شرق ایران (استان‌های سیستان و بلوچستان و کرمان)، مرکز ایران (استان‌های زنجان، اصفهان، مرکزی، قم، سمنان، قزوین، البرز و ...) (میرزاخانیان، ۱۳۹۶: ۱۰۷ - ۱۰۶).

هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۸/۰۴/۲۱ بنا به پیشنهاد سازمان حفاظت محیط زیست و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «آیین آمادگی و مقابله با آثار زیان‌بار پدیده گرد و غبار (ریزگرد) در کشور را مورد تصویب قرار داده است. در ماده ۱۸ این آیین‌نامه به منظور انجام بررسی‌های ابعاد برون‌مرزی این پدیده، و ایجاد زمینه همکاری منطقه‌ای، تیم کارشناسی به انتخاب کارگروه موضوع ماده (۱) تعیین شده تا با انجام اقدامات لازم توسط وزارت امور خارجه به کشورهای منطقه اعزام شوند و راهکارهای لازم را برای تصمیم‌گیری به کارگروه ارائه نمایند. این ماده بر نقش همکاری منطقه‌ای تأکید کرده است. بحران ریزگردها در چند سال اخیر باعث شده است که ایران به‌خصوص با کشورهای همسایه خود رایزنی‌ها و مذاکراتی را داشته باشد که به دنبال آن امضاء تفاهم‌نامه‌هایی را به دنبال داشته است. که از جمله این توافقات می‌توان به تفاهم‌نامه دوجانبه بین ایران و عراق در تاریخ ژانویه ۲۰۰۸ اشاره نمود که در این تفاهم‌نامه بر بخش‌های مختلف سازمان ملل متحد و انجمن‌های بین‌المللی برای حمایت و شرکت در این اقدام دعوت به عمل آورده‌اند (طوفان، ۱۳۸۹: ۵).

در اکتبر سال ۲۰۱۰، جلسه همکاری منطقه‌ای درباره محیط زیست در کشور ترکیه برگزار شد و این نشست که چهار کشور عراق، سوریه، ترکیه و ایران شرکت داشتند، منتهی به امضای بیانیه آنکارا شد. در این بیانیه بر همکاری کشورهای عضو در به حداقل رساندن آلودگی‌های زیست محیطی به ویژه پدیده ریزگردها تأکید شده است. همچنین در این بیانیه آمده است که کشورهای عضو با توجه به اصول انصاف و عمل متقابل تمام تلاش خود را در جهت کنترل فرسایش بادی خاکی و توسعه پروژه‌های منطقه‌ای برای مهار این مخاطرات در چارچوب توسعه پایدار و مطابق با معاهدات و موافقت‌نامه‌هایی که طرفین عضو آن هستند، مبذول خواهند نمود. مقامات محیط زیستی دو کشور ایران و عراق در تاریخ ۱۳۹۰/۰۳/۱۸ با یکدیگر دیدار نموده که در پی آن همکاری بین ایران و عراق برای مهار یک میلیون هکتار از کانون‌های بحرانی تولید ریزگردها در این کشور توسط وزیر محیط زیست عراق و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست ایران به امضا رسید. اما متأسفانه بنا به اظهارات وزیر محیط زیست عراق، اجرای این تفاهم‌نامه بستگی به بودجه و تصمیمات دولت عراق دارد (حسینی، ۱۳۹۱: ۱۲).

در کنار عواملی طبیعی وقوع ریزگردها که مورد اشاره قرار گرفت عواملی چون جنگ، حضور نیروهای خارجی، بحران‌های امنیتی و تروریسم القاعده و داعش، یکی از دلایل تخریب پرشتاب محیط زیست در عراق، به مسائل مدیریتی چه در زمان صدام حسین و چه بعد از سقوط او بر می‌گردد (موسوی، ۱۳۹۵). طی سالیان اخیر طوفان‌های گرد و غبار در خاورمیانه و بخصوص در بیابان‌های عربستان و عراق اثرات زیان‌بار بسیاری را برای کشورمان به همراه داشته که دامنه آن تا شهرهای عمده مرکز کشور نیز کشیده شده است. وسعت خسارات این پدیده، تنها محدود به تهدید اراضی کشاورزی و مناطق صنعتی نبوده، بلکه با مختل نمودن زندگی عادی شهروندان آشکارا تبدیل به یک تهدید جدی زیست محیطی شده و واکنش افکار عمومی را به دنبال داشته است.

در واقع باوجود اختلافات سیاسی در عراق، سیاست‌مداران این کشور همه بر روی یک مسأله مشترک توافق دارند: بی‌تفاوتی و نادیده گرفتن مشکلات محیط زیستی که این کشور را آزار می‌دهد. آژانس‌های محیط زیست در عراق از پاسخ دولت خود به مسائل زیست محیطی بسیار انتقاد کرده‌اند و بسیاری از آن‌ها ۵ ژوئن را که سازمان ملل

متحد روز جهانی محیط زیست انتخاب کرده را برگزیدند تا دیدگاه‌های خود را در این باره اعلام کنند. عادل فاخر^۱، روزنامه‌نگاری که در مورد مسائل زیست محیطی در عراق نوشته است، می‌گوید: «برای مدت طولانی رهبران ما فقط در مورد سیاست و محیط اطراف آن، که در آن کار می‌کنند مراقبت می‌کنند... اما آن‌ها به مشکلات زیست محیطی که بر زندگی و سلامت مردم عادی عراق و در سطح منطقه تأثیر می‌گذارند توجه نکرده‌اند. آن‌ها اقدامات کافی در مورد مسائل زیست محیطی انجام نداده‌اند و به اندازه کافی با سازمان‌های بین‌المللی همکاری نمی‌کنند». علاوه بر این، منتقدان دولت معتقدند که سیاست‌مداران گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی درباره برخی از این مشکلات را نادیده گرفته‌اند. مصطفی حمید، سخنگوی وزارت محیط زیست، گفت: «وضعیت محیط زیست عراق دلگرم کننده نیست ... بسیاری از چیزها از دوران سابق [رهبری صدام حسین] انباشته شده‌اند و هرگز مورد توجه قرار نگرفته‌اند. درگیری‌های سیاسی مداوم تأثیر می‌گذارند؛ آن‌ها بر کار تمام ادارات دولتی تأثیر می‌گذارند و بر همه امور سایه افکندند.» (Najm, 2012)

نمایندگان مجلس عراق درگیر، درگیری‌های سیاسی مداوم هستند تا به موضوع محیط زیست متمرکز شوند که به نظر می‌رسد به عنوان یک مسأله جانبی محسوب می‌شود. محمود عثمان، نماینده مستقل کُرد، می‌گوید: «من در بسیاری از جلسات سیاسی حضور داشته‌ام و جلسات بسیاری وجود دارد اما من هرگز هیچ سخنرانی رسمی در مورد محیط زیست و یا حتی آب و هوا را نشنیدم». او می‌گوید: «آن‌ها فقط برای بحث در مورد درگیری‌های داخلی خود با یکدیگر ملاقات می‌کنند». وزیر محیط زیست عراق، سارگون اسلاوا^۲، اذعان می‌کند: «برای این که دولت در مورد مشکلات زیست محیطی تصمیم‌گیری کند، تصمیم‌گیری باید توسط مقامات بالاتر انجام شود». اما، همان‌طور که وی یادآور می‌شود، مشکل در عراق این است که درگیری‌های بی‌پایان سیاسی وجود دارد و این‌ها همه را مشغول می‌کند. و مطمئناً آن‌ها را از مسائل زیست محیطی و از برخورد با بلایای طبیعی منحرف می‌کند، که نیازمند تلاش‌های چشمگیرتری است. او

1. Adel Fakher
2. Sargon Slewa

در ادامه هشدار می‌دهد نیاز جدی برای تلاش واقعی برای جلوگیری از ادامه تخریب محیط زیست در عراق وجود دارد. این به این معنی است که تعداد زیادی از طوفان گرد و غبار در عراق وجود دارد. همان‌طور که لس‌آنجلس تایمز در سال ۲۰۰۹ گزارش داد، طوفان گرد و غبار، «مظهر قابل ملاحظه» فاجعه زیست محیطی عراق است. «دهه‌ها جنگ و سوء مدیریت، باعث ویرانی اکوسیستم عراق، خشک شدن رودها و تالاب‌ها، تبدیل زمین‌های زراعی به بیابان، کُشتار درختان و گیاهان و به‌طور کلی تغییر منطقه بوده است» (Najm, 2012).

بحران ریزگردها به قدری جدی است که در سند «سیاست‌های کلی محیط زیست» به‌عنوان تازه‌ترین سند محیط زیستی کشور، در چند جا، آشکارا به آن اشاره شده است. از جمله در بندهای ۱-۷ و ۱-۱۵^۱ اما واقعیت آن است که بحران ریزگردها کارآمدی نظام را به چالش کشیده و نشان داده که بالقوه توان برانگیختن شورش‌های خیابانی و تهدید امنیت حکومت را دارد. این در حالی است مسئولان در رفع این بحران با «چالش زمان» نیز مواجه هستند، اگر ایران از همین حالا همه توان خود را برای مهار ریزگردها صرف کند، نتیجه این عمل ده سال دیگر آشکار خواهد شد، چون احیای تالاب‌ها و دشت‌های مرده حتی به فرض وجود منابع آب کافی و توقف همه عوامل خشکاننده قبلی، سالیان دراز به طول می‌انجامد.

نتیجه‌گیری

پیامدهای منطقه‌ای ظهور دولت‌های شکننده مبتنی بر مجاورت و سرایت، ابتدا همسایگان آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. جمهوری اسلامی ایران با واقع شدن در محیطی که می‌رود مملو از دولت‌های شکننده شود، باید به بررسی مصداق‌های سرریز بحران‌ها پردازد و

۱- ۷. مدیریت تغییرات اقلیم و مقابله با تهدیدات زیست محیطی نظیر بیابان‌زایی، گرد و غبار به ویژه ریزگردها، خشکسالی و عوامل سرایت دهنده میکروبی و رادیواکتیو و توسعه آینده‌نگری و شناخت پدیده‌های نوظهور زیست محیطی و مدیریت آن.

۱۵- ۱. تلاش برای ایجاد و تقویت نهادهای منطقه‌ای برای مقابله با گرد و غبار و آلودگی‌های آبی (سیاست‌های کلی محیط زیست، ۱۳۹۵).

با رها شدن از قالب‌های به شدت نظری، با استفاده از نظریات کاربردی‌تر برای روبه‌رو شدن با این تهدیدات آماده شود. کشور عراق به عنوان یکی از مهم‌ترین حوزه‌های راهبردی منطقه غرب آسیا، که در مجاورت با جمهوری اسلامی ایران نیز هست در موقعیت کنونی دولتی ضعیف را تجربه می‌کند که اقتدار دولت مرکزی هم به دلیل وضعیت متغیر داخلی و منطقه‌ای و هم به دلیل نهادینه شدن برخی شکاف‌ها در قالب قانون اساسی این کشور، منشأ تولید بحران‌های متعدد امنیتی و سیاسی برای جمهوری اسلامی ایران شده است.

در کشور ما بر اساس نوسانات اقلیمی، کاهش بارش و رویکرد توسعه‌گرای کم‌تجربه به ارزیابی پایداری محیط زیست، ده‌ها سال است که امنیت محیط زیست کشور با بحران‌های مختلف روبه‌روست، که امنیت ملی کشور را نیز دچار چالش و بحران کرده است. در این میان به استان‌های غربی و جنوب غربی که در دهه‌های اخیر درگیر پدیده ریزگردها هستند می‌توان اشاره کرد، که متأثر از مشکلات زیست محیطی کشور عراق و قاعدتاً ناکارآمدی این دولت در رفع مشکلات مذکور می‌باشد. همانطور که گفته شد بخش اعظم منشأ ریزگردهای مناطق جنوب غربی و غرب کشورمان مربوط به خارج از کشور و عمدتاً کشور عراق می‌باشد. این بحران آثار مخرب اجتماعی و اقتصادی را برای حدود ۲۰ استان در نیمه غربی کشور به ارمغان آورده است و باعث مهاجرت‌های اجباری ساکنان این مناطق گردیده است. با توجه به آثار مخرب بهداشتی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی ریزگردها در منطقه تحت نفوذ خود می‌توان این بحران را به مثابه یک تهدید بالقوه برای امنیت زیست محیطی و ملی ایران در منطقه تلقی کرد. چرا که پدیده ریزگردها منجر به کاهش تولید در بخش‌های مختلف اقتصادی به دلیلی تعطیلی واحدهای تولیدی، کاهش بهره‌وری عوامل تولید، عدم تکمیل طرح‌های سرمایه‌گذاری و همچنین کاهش سطح زیر کشت و در نتیجه کاهش محصولات کشاورزی در استان‌های غربی و جنوب غربی (به ویژه ایلام، کرمانشاه و خوزستان) شده است. به علاوه، بیکاری و یا کاهش درآمد در مشاغل مختلف شهری و روستایی و همین‌طور تشدید روند مهاجرت افراد (به ویژه در اقشار متخصص و نخبه) از مناطق متأثر از ریزگردها (به عنوان زمینه گسترش مهاجرت به استان‌های دیگر)، می‌تواند



زمینه‌های ناامنی را به وجود آورد. بنابراین با توجه به یافته‌های پژوهش، تهدیدات زیست محیطی طبیعی و انسانی، در صورت نادیده گرفتن و بی‌توجهی، این تهدیدات باعث ایجاد چالش و عاملی در برهم زدن امنیت ملی ایران خواهند بود. این تهدیدات می‌توانند امنیت ملی و نظم عمومی جامعه را بر هم زنند و کشور را با چالش و بحران مواجه سازند. براساس جمع‌بندی انجام شده و مروری بر امکانات انسانی و مالی، راهکارها جهت از بین بردن منشاء ریزگردها و اقدامات جهت مقابله موقت و یا به عبارتی به حداقل رسانیدن آسیب‌های عمده به شرح زیر می‌باشند:

۱- رجوع به کنوانسیون‌های بین‌المللی که ایران نیز سال‌هاست عضو آن‌ها بوده و حق عضویت سالیانه می‌پردازد.

۲- ایجاد یک کارگروه یا کنسرسیوم منطقه‌ای تحت نظارت و رهبری نهادهای بین‌المللی یادشده در بند قبلی با مشارکت کشورهای تحت تأثیر و عامل ایجاد ریزگرد.

۳- مشخص شدن سهم عاملیت، مالی، کاری و وظیفه هر کشور عضو.

۴- برنامه‌ریزی سهم کاری هر کشور جهت اقداماتی که کنسرسیوم یادشده علمی مشخص می‌نماید.

۵- ایجاد ضمانت‌های لازم جهت اجرائی شدن هر یک از اقدامات توصیه شده توسط کارگروه با نظارت بین‌المللی.

۶- ایجاد دیپلماسی فعال و اراده سیاسی داخلی لازم جهت پیگیری آن و همراهی سایر بخش‌های سیاسی و مدیریتی بین‌المللی و داخلی.

۷- ایجاد دستورالعمل‌ها و قوانین بازدارنده و یا تشویقی به منظور حفظ و حراست از منابع طبیعی و محیط‌زیست مرتبط داخلی جهت جلوگیری از اضمحلال منابع طبیعی مشابه در داخل کشور.

۸- استفاده از جدیدترین روش‌ها و بومی‌سازی روش‌های مقابله با توجه به پژوهش‌های نوین و استفاده حداکثری از قابلیت‌های علمی و تحقیقاتی موجود.

۹- برنامه‌ریزی مشخص همه‌جانبه جهت کاهش اثرات ریزگردهای متهاجم به مناطق داخل کشور.

۱۰- اقدامات فیزیکی محافظتی ساختمان‌ها و تأسیسات در برابر ریزگرد.

- ۱۱- آموزش و فرهنگ‌سازی روش‌های کاهش اثرات بر سلامت مردم مثل استفاده از ماسک یا نوشیدن شیر و ...
- ۱۲- تدوین و اجرای روش‌های به حداقل رسانیدن آسیب به بخش‌های مختلف اقتصادی مثلصنعت، کشاورزی، محیط‌زیست خشکی و آبی.

منابع

- ابراهیمی، یعقوب (۱۳۹۴)، «نگاه ساختار گرا به شکنندگی دولت در جهان اسلام»، فصلنامه زمین در گسترده سیاست، فرهنگ و فلسفه، شماره ششم.
- آلیس، هادی (۱۳۸۶)، «خواست‌ها کردها برای تشکیل دولت و آینده عراق»، ترجمه امیر محمد حاجی یوسفی و معصومه انتظام، در امیرمحمد حاجی یوسفی و احمد سلطانی نژاد، سامان سیاسی در عراق جدید، تهران: مرکز چاپ و نشر وزارت امور خارجه.
- بابان، جیهان (۱۳۹۷)، «بحران زیست محیطی در عراق»، الشرق الأوسط (نسخه فارسی)، قابل دسترس در:
<http://farsi-archive.aawsat.com/2018/09/08/article32870>.
- بروک، لوتار، سورنسن، جرج، استول، میشل، هنریک هلم، هانس (۱۳۹۴)، دولت‌های شکننده جامعه‌شناسی جنگ و دولت مدرن، ترجمه احمد رشیدی، تهران: امیرکبیر.
- بوزان، باری (۱۳۸۷)، مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری، ویور، الی و پاپ، دووید (۱۳۹۲)، چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، ترجمه علی‌رضا طیب، چاپ دوم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی غیرانتفاعی.
- پورسعید، فرزاد (۱۳۹۰)، برآورد استراتژیک عراق آینده، در چشم‌انداز عراق آینده؛ بررسی روندهای داخلی و خارجی، به اهتمام غلامرضا خسروی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

حسینی، سید محمد (۱۳۹۱)، «بررسی حقوقی ریزگردها از منظر آلودگی‌های فرامرز با نگاهی گذرا به وضعیت ایران»، سازمان محیط زیست، فصلنامه علمی محیط زیست، شماره ۵۲، صص ۸۲ - ۶۹.

جاجرمی، کاظم، پیشگاهی‌فرد، زهرا و مهکویی، حجت (۱۳۹۲)، «ارزیابی تهدیدات زیست محیطی در امنیت ملی ایران»، فصلنامه راهبرد، سال بیست و دوم، شماره ۶۷، صص ۲۳۰ - ۱۹۳.

چامسکی، نوام (۱۳۸۸)، دولت‌های فرومانده: سوءاستفاده از قدرت و یورش به دموکراسی، ترجمه اکرم پدرام‌نیا، تهران: افق.

رییس‌السادات، سیدمحمدتقی و کاویانی‌راد، مراد (۱۳۹۶)، «امنیت زیست محیطی بنیاد همکاری منطقه‌ای مطالعه موردی بحران ریزگردهای جنوب غربی آسیا»، فصلنامه تخصصی دانش انتظامی خراسان جنوبی، شماره ۲۱، دوره ششم، صص ۸۵ - ۷۴.

رضاییان قیه‌باشی، احد (۱۳۹۷)، آسیب‌شناسی امنیت زیست محیطی ایران (نگاه آینده‌پژوهانه به کلان روندها و پیشران‌های مخرب محیط زیست ایران)، تهران: ساکو.

رنجبر حیدری، وحید، جمشیدی، ابراهیم (۱۳۹۵)، «بررسی مفهوم امنیت زیست محیطی با نگاهی به چالش‌های امنیت زیست محیطی ایران»، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال پنجم، شماره بیست و یکم، صص ۲۳۱ - ۱۹۹.

زارع، بیژن و روغنیان، زهره (۱۳۹۴)، «آینده‌پژوهی در توسعه زیست محیطی به روش سناریوپردازی»، کنفرانس بین‌المللی پژوهش در مهندسی، علوم و تکنولوژی، استانبول ترکیه ۳۰ تیرماه.

زواری، سیدعبدالمجید (۱۳۹۴)، «پیامدهای ریزگردها در افق ۱۴۰۴»، ماهنامه آینده‌پژوهی، شماره بیستم، صص ۱۴ - ۱۲.

داویشا، عدید (۱۳۸۶)، «عراق: موانع، پیشرفت‌ها و چشم‌اندازها»، ترجمه روح‌الله طالبی آرنانی، در امیرمحمد حاجی یوسفی و احمد سلطانی نژاد، سامان سیاسی در عراق جدید، تهران: مرکز چاپ و نشر وزارت امورخارجه.

سلطانی گیشینی، محمدجواد، وثوقی، سعید و ابراهیمی، شهروز (۱۳۹۶)، «دولت شکست خورده و جنگ‌های جدید: مطالعه موردی داعش در خاورمیانه»، **فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی**، سال هشتم، شماره ۳ (۴۹ پیاپی)، صص ۱۴۵-۱۱۷.

عزیزی مهماندوست، مهدی (۱۳۹۰)، «مدیریت بحران و تهدیدات زیست محیطی در ایران»، **فصلنامه پدافند غیرعامل**، سال دوم، شماره ۲، صص ۳۳-۲۱.

عطار، سعید، سعیدی‌راد، آرش، رسولی ثانی آبادی، الهام (۱۳۹۷)، «تحلیل نهادی دولت‌های ورشکسته»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، دوره ۲۱، شماره ۸۰، شماره پیاپی ۲، صص ۱۵۸ - ۱۳۵.

طوفان، مسعود (۱۳۸۹)، «چالش‌ها و چشم‌انداز همکاری‌های منطقه‌ای در مهار ریزگردها»، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال بیست و چهارم، شماره ۴، صص ۹۵۸ - ۹۴۳.

فیروزی، مهدی (۱۳۸۴)، **حق بر محیط زیست**، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی. قنبرلو، عبدالله (۱۳۹۲)، «جهانی شدن و مسائل زیست محیطی»، در **مجموعه مقالات اکولوژی سیاسی**، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

کاظمی، حجت (۱۳۹۵)، «خیزش‌های هویتی، دولت‌های شکننده و بحران‌های ژئوپلیتیکی خاورمیانه»، **فصلنامه ژئوپلیتیک**، سال سیزدهم، شماره اول، صص ۱۷۲ - ۱۴۶.

کاویانی‌راد، مراد (۱۳۹۲)، «تبیین نسبت اکولوژی و سیاست»، در **مجموعه مقالات اکولوژی سیاسی**، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

کاویانی‌راد، مراد (۱۳۸۹)، «تحلیل فضایی مخاطرات محیطی و بحران‌های بوم‌شناسی در ایران»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال سیزدهم، شماره دوم، شماره مسلسل ۴۸، صص ۵۷ - ۴۷.

کولائی، الهه، اکبری، زیبا (۱۳۹۶)، «دولت شکننده در عراق و امنیت زنان»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۷، شماره ۱، صص ۱۷۷-۱۵۹.

کیس، الکساندر چارلز، لانگ، وینفرد و سند، پیتر (۱۳۸۴)، حقوق محیط زیست، ترجمه محمدحسن حبیبی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، جلد اول، چاپ دوم. لطفی، حیدر، نامی، محمدحسن، حسن پور، جعفر و بحرایی، حمید (۱۳۹۰)، «امنیت زیست محیطی و سیاست گذاری امنیت ملی»، فصلنامه علمی پژوهشی نگرش های نو در جغرافیای انسانی، سال سوم، شماره ۴، صص ۱۴۴ - ۱۲۱.

موسوی، عزیز (۱۳۹۵)، «پدیده ریزگرد گروگان بحران های منطقه، چالش آینده عراق بحران زیست محیطی است»، کد خبر: ۸۲۴۴۳۲۷۳، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا)، قابل دسترس در: <http://www.irna.ir/news/82443273>.

میرزاخانیان، ادموند (۱۳۹۶)، «طوفان شن و ریزگردها مصیبتی ساکت و بدون مرز»، سخنرانی پانل ششم کنفرانس فیدیک، اندونزی - جاکارتا، فصلنامه مهندس مشاور، شماره ۷۷، صص ۱۱۰ - ۱۰۴.

یزدانفام، محمود (۱۳۹۰)، دولت های شکننده و امنیت انسانی، تهران: نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی.

Ahram, Ariel I. (2015), "War-Making, State- Making, and None-State Power in Iraq", *Yale Program on Governance and Local Development Working Paper*, No. 1.

Blanchard, Christopher M. (Coordinator), Katzman, Kenneth, Migdalovitz, Carol and Sharp Jermy M. (2009), "Iraq: Regional Perspectives and U.S. Policy", *Congressional Research Service*, (CRS), October 17, pp:1-35, in: <https://fas.org/sgp/crs/mideast/RL33793.pdf>. (accessed 23 October, 2018).

Cagaptay, Soner and Otun, Altay Sedat (2012), "Flooding Out Terror? The Ilisu Dam Project could enter the annals counterterrorism as history's first hydro-victory", *Washington Institute for Near East Policy*, May 3, pp 1-2.

Cordesman, Anthony H. (2015), "Iraqi Stability and the "ISIS War", *Center for Strategic and International Studies (CSIS)*, August 12.

Cordesman, Anthony.H. & Khazai, Sam. (2014), "Iraq in Crisis, A Report of the CSIS Burke Chairin Strategy", *Center for Strategic and International Studies (CSIS)*, June 4.

- Corruption Perceptions index 2006- 2018, (2018) in: <https://www.transparency.org>. (accessed 29 December, 2018).
- “Country reports on Terrorism”, (2012), Available at: <https://www.state.gov/documents/organization/210204.pdf>. (accessed 20, December, 2018).
- FRAGILE STATES INDEX (FFP), Powered by The Fund FOR Peace (2006-2019), (2019), in: <https://fragilestatesindex.org/country-data>. (accessed 13 August, 2019).
- Homer, Tomas F. (1994), “Environmental scarcities and violent conflict : evidence FROM Cases”, *International security*, Vo1. 19, No. I,(summer), PP: 5-40.
- Howard, Tiffiany (2014), *Failed States and the Origins of Violence: A Comparative Analysis of State Failure as a Root Cause of Terrorism and Political Violence*, 1st Edition, London: Routledge.
- Jackson, Robert (1991), *Quasi-States: Sovereignty, International Relations and the Third World*, London: Cambridge University Press.
- Lewis, Gary (2014), “Challenges to and from the Environment in Iran”, Iran Heritage Foundation and Persian Wildlife Heritage Foundation Symposium, Royal Geographical Society, London, 18 January.
- “Ministry of Environment - Republic of Iraq, 2013- 2017”, (2017), available at: <http://wedocs.unep.org/xmlui/handle/20.500.11822/8726>. (accessed 18 December, 2018).
- Najm, haider (2012), “dust, drought, radiation blinded by politics, iraqi government ignores environment”, in: <http://www.niqash.org/en/articles/politics/3061>. (accessed 20 May, 2018)
- Nuruzzaman, Mohammed (2008), “Failed and Fragile States”, in *International Relations: Revisiting Issues and Rethinking Options*, ACSP-CPSA, Vancouver.
- OECD ilibrary (2015), “The Changing Face of Fragility and its Implications Post-2015”, in: *States of Fragility 2015: Meeting Post-2015 Ambitions*, OECD Publishing, Paris. in: <http://dx.doi.org/10.1787/9789264227699-6-en>. (Accessed on 7 December 2018).
- Olson, William (1993), “The New World Disorder: Governability and Development”, in Max G. Manwaring, ed. *Gray Area Phenomena: Confronting New World Disorder*, Boulder: Westview Press.
- Potter, Donald W. (2004), "State Responsibility, Sovereignty, and Failed States", School of Government, University of Tasmania, Refereed paper presented to the Australasian Political Studies Association Conference, University of Adelaide, 29 September- 1 October, pp. 1-16.
- Rotberg, Robert (2003), “Failed States, Collapsed States, Weak States: Causes and Indicators”, available at: <https://www.wilsoncenter.org/sites/default/files/statefailureandstateweaknessinatimeoferror.pdf>. (accessed 1 August 2018).

UNITED NATIONS DEVELOPMENT PROGRAMME, Human Development Reports, (2018), in: <http://hdr.undp.org/en/indicators/137506#>, (accessed 18 October, 2018).

Yoo, John (2011), "Fixing Failed States", available at: <https://scholarship.law.berkeley.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=2761&context=facpubs>.

[law.berkeley.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=2761&context=facpubs](https://scholarship.law.berkeley.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=2761&context=facpubs). (accessed 12 August, 2018).

۳۲۲



سیاست جهانی

فصلنامه علمی سیاست جهانی، دوره هشتم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۸، پیاپی ۲۸